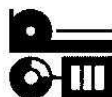


هارولد بلوم؛ درباره‌ی کلاسیک‌های مدرن

Harold Bloom; Modern Classics

گردآوری و ترجمه: بهار احمدی فرد



نشر تماس

سرشناسه	: Harold, Bloom. ۱۹۳۰، ۲۰۱۹
عنوان و نام پدیدآور	: هارولد بلوم؛ درباره کلاسیک‌های مدرن Harold Bloom; Modern Classic
وضعیت ویراست	: *
مشخصات نشر	: تهران نشر تماس
مشخصات ظاهری	: ۲۲۰ رقی
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۴۲۷۴-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: اکنون، در زمانه‌ای که رسانه‌های الکترونیکی سریع و در دسترس، فعل خواندن را به محاق برده است، بلوم از تجربه خود به عنوان منتقد، معلم و خواننده پرشور ادبیات استفاده می‌کند تا به کنه کتاب‌های بزرگی پی ببرد که در نظر او همچنان منبع معرفت‌اند.
شناسه افزوده	: الحمیدی فرد، بهار، ۱۳۶۸
شناسه افزوده	: خورشیدفر، امیرحسین، ۱۳۶۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۲۴۵۶۵۳
قیمت	: ۸۸۰۰۰۰ ریال

www.ketab.ir

هارولد بلوم؛
درباره‌ی
کلاسیک‌های مدرن
Bloom's Modern Classics

Harold Bloom؛ هارولد بلوم
گردآورنده و مترجم: بهار احمدی فرد
ویراستار: امیرحسین خورشیدفر
ناشر: تماس
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
نوبت چاپ: ۱۳۹۹

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۴۲۷-۴-۳

فهرست

- ۱.....مقدمه ویراستار
- ۸.....پیش‌گفتار نویسنده: حضور اثر درون مولف
- ۱۷.....میگل دو سروانتس: چرا و چگونه دن کیشوت را بخوانیم؟
- ۲۵.....استاندال: چرا و چگونه صومعه پارم را بخوانیم؟
- ۳۴.....چارلز دیکنز: چرا و چگونه آرزوهای بزرگ را بخوانیم؟
- ۳۹.....داستایوسکی: چرا و چگونه جنایت و مکافات را بخوانیم؟
- ۵۰.....هنری جیمز: چرا و چگونه تصویر یک زن را بخوانیم؟
- ۶۲.....مارسل پروست: چرا و چگونه در جست‌وجوی زمان از دست رفته را بخوانیم؟
- ۷۰.....توماس مان: چرا و چگونه کوه جادو را بخوانیم؟
- ۷۹.....کورمک مکاریتی: چرا و چگونه نیمروز خونین را بخوانیم؟
- ۹۰.....آنتون چخوف: چرا و چگونه داستان‌های کوتاهش را بخوانیم؟
- ۹۸.....فلانری اوکانر: چرا و چگونه داستان‌های کوتاهش را بخوانیم؟
- ۱۰۳.....خورخه لویس بورخس: چرا و چگونه داستان‌های کوتاهش را بخوانیم؟
- ۱۱۰.....ایتالو کالوینو: چرا و چگونه داستان‌های کوتاهش را بخوانیم؟
- ۱۱۷.....پل استر.....
- ۱۲۱.....اسکات فیتز‌جرالد.....

- ۱۳۰.....فیلیپ راث.
- ۱۴۱.....میلان کوندر.
- ۱۴۴.....گابریل گارسیا مارکز.
- ۱۵۵.....ارنست همینگوی.
- ۱۶۳.....ویر جینیا وولف.
- ۱۶۹.....آلیس مونرو.
- ۱۷۶.....درباره کتاب رگتایم: ای ال دکستروف.
- ۱۷۹.....از نگاه بلوم: چگونه درباره ادبیات بنویسیم؟
- ۱۸۵.....مباحث و راهبردها.
- ۱۸۶.....مضمون‌ها.
- ۱۸۷.....مباحث نمونه.
- ۱۹۰.....کاراکتر.
- ۱۹۱.....موضوعات نمونه.
- ۱۹۳.....تاریخ و بافت.
- ۱۹۶.....تری ایگلتن درباره هارولد بلوم.
- ۲۰۱.....منابع.

مقدمه ویراستار

هارولد بلوم: سومین شوالیه

امیر حسین خورشیدفر

«در زمان فقط چیزی دوام می‌آورد که در زمان نباشد»

بورخس

هارولد بلوم در دانشگاه کرنل، کمبریج و ییل در رشته مطالعات و ادبیات کلاسیک تحصیل کرد. او که در پاییز ۲۰۱۹ درگذشت، در سراسر زندگی‌اش به‌راستی پرکار بود. تعریف می‌کنند از حافظه رشک‌برانگیزش، خواندن مؤمنانه و سیاهه اعمالش که بر چهل کتاب بالغ است (گردآوری صدها عنوان مجموعه مقالات ادبی هم هست) شصت و چهار سال، بی‌وقفه، تدریس کرد و چون از پای افتاد، کلاس را به اسکایپ منتقل کرد. در نوشته‌ها و نه در زندگی‌اش مواردی از تبعیض جنسی و هموفوبیا پیداست؛ باوجوداین تصویری که از او بر ساخته می‌شود، انسانی است غرق در ادبیات که هر چیز دیگری برایش فرعی به شمار می‌آید. آثار پرفروش در عرصه عمومی و روحیه جدلی‌اش در فضای دانشگاهی ایالات متحده تاثیرگذار بود و این تاثیر را بیشتر

از هر چیز صرف آن کرد تا با صراحت، اعلام کند کدام آثار و نویسندگان ارزش خواندن دارند. بلوم، پنجاه سال، یک‌تنه و خستگی‌ناپذیر در ظاهر با منتقدان و در حقیقت با روح زمان جنگید.

زندگی هارولد بلوم با آمیزه تخیل و مالیخولیا به یک شوالیه شبیه بود. در راه ایمان و مقدساتی کمابیش شخصی که به چشم دیگران، نامربی، خرافی، ازمدافتاده و گاه فاشیستی بود، می‌خروشید و جدل می‌کرد. فرزند خانواده مهاجری که مهاجران را عامل زوال سلیقه عمومی می‌دانست. توأمان به الیتسم و پوپولیسم متهم بود که در کنار تناقضات دیگر، هویت شوالیه را برمی‌ساخت.

پس از آغاز قرن بیستم، نقد ادبی به موضوعی چشمگیر و بامسما در کار روشنفکری بدل شد. از منتقدان شاخص سده گذشته، بعضی منتقد ادبی هستند و نقد ادبی سهم مهمی در مطالعات و کاروبار بعضی دیگر دارد.

هارولد بلوم در چنین دورانی به‌صحنه می‌آید. در دهه ۱۹۸۰ میلادی، برای فیکورهای اصلی نقد ادبی که عموماً اروپایی هستند، هم‌آورد می‌شود. بلوم یهودی/آمریکایی در سنت آکادمیکی بالید که سقفش برای منتقد ادبیات کوتاه بود. برخلاف اروپا، نقد ادبی، در ایالات متحده التقای مطالعات بین‌رشته‌ای به‌شمار نمی‌آمد؛ اما ابداعات قاره‌ای، آکادمیسین‌های ایالات متحده را نیز به‌تکاپو واداشت. در عالم انگلیسی‌زبان، پروژه نظریه‌پردازهایی مثل هارولد بلوم یا فرانک کرمود بریتانیایی، بارقه‌امیدی زنده کرده تا پلی بادوام و اصولی به روش منضبط، سنت آنگلوساکسون را به پیش‌قراولان پرآوازه قاره‌ای متصل کند. هارولد بلوم، بعد از چند تالیف دانشگاهی، نظریه انتظام‌یافته‌اش را در کتاب‌های «اضطراب تأثیر» و «نقشه بد خواندن» بین ۱۹۷۵-۱۹۷۳

انتشار داد. کامیابی کتاب‌ها چشمگیر بود و مفهوم «اضطراب تأثیر» که بلوم ضرب کرد، در مطالعات ادبی، کاربرد و فایده فراوان رساند.

نظریه بلوم، تقریری از آموزه «اضطراب اختگی» فروید است. شاعر بزرگ، مولد گردابی اضطراب‌آور در فضای شعر است که شاعر جوان را مثل آن که تازه تن به آب‌زده در خود گرفتار می‌کند. شاعر جوان، می‌خواهد صدا و اسلوب خود را به‌مثابه امری اصیل و بی‌غش دریابد و تصنیف کند؛ اما می‌ترسد کارش، رونوشت دسته‌چندم شاعر بزرگ باشد. هر شاعر جوان، در اضطراب تأثیر پدر اعظم خود می‌نویسد و محتمل است تا قافیه را به محیط مغناطیسی او واگذارد. بدخوانی در اینجا مترادف فر شاعری است. شاعر بر ضد آبایش می‌شورد و مرتکب «پدرکشی» می‌شود که یگانه طریق رستگاری شاعر است. خیل شاعران شکست‌خورده بر اضطراب تأثیر چیره نشده و در بدخوانی شعر پدر ناکام مانده‌اند. از این حرف، بعضی شالوده شکستن را برداشتند.

دگرذیسی هارولد بلوم به دن‌کیشوت در سال‌های دهه هشتاد و با شتاب گرفتن روند تغییر پارادایم فرهنگی آغاز می‌شود. مقصودمان از دن‌کیشوت اتفاقاً با خوانشی که هارولد بلوم از او دارد، بیشتر تطبیق دارد، اگرچه بلوم ترجیح می‌داد تا به شوالیه‌ای دیگری، یعنی سر جان فالستاف که هیبت و فربگی میان‌سالی بلوم را دارد تشبیه شود. دن‌کیشوت، فریفته افسانه‌های پهلوانی، سلحشوری و امر والاست و از ملال و پختی واقعیت کسالت‌بار زمینی می‌گریزد اما در جهانی بی‌روح؛ ماجراجویی با واقعیت که حقیر (و در هر حال واقعی است) برخورد می‌کند. هارولد بلوم، عصر طلایی خود را در دپارتمانی خیالی می‌جوید که راز و رمز کابالای یهود و مناسک پرزرق‌وبرق و تخطی‌ناپذیر و اتیکان را یک‌جا دارد؛ در این آیین فراموش‌شده، ادبیات و

«دقیق» فریضه است، مدارج قرب از پیش معلوم است و هر رهرو فروتن و آگاه، تردیدی به دل راه نمی‌دهد که ویلیام شکسپیر، چاوسر یا سروانتس در ملکوت اعلا جای دارند و دیگر نویسندگان که مرد، سفیدپوست و غربی هستند، از طبقات فوقانی تا اعماق دوزخ در حجره خویش حضور دارند. این نظم کیهانی با بدعت‌هایی از قبیل پست‌مدرنیسم یا پساساختارگرایی با هویت‌یابی نژادها، طبقات و گرایش‌های جنسی مختلف تغییر نخواهد کرد. باور شوالیه بلوم، به چنین تصویری از ادبیات که در ذهن او، مستقل و منفک از دیگر نظام‌های معرفتی و زیستی است هرروز بیشتر، عینی‌تر می‌شود؛ و او خود را موظف می‌داند تا چه از طریق نوشتن و چه تربیت شاگردان، از این سازواره مقدس دفاع کند یا بدون هراس و ملاحظاتی که در جهان مدرن، ضروری به‌نظر می‌آید، با قلمی که مثل شمشیر بران است بر سپاهی یورش ببرد که اعضایش، هرگز تصور نمی‌کردند که جز بیکر انسانی، اشتراک دیگری باهم داشته باشند. هارولد بلوم در یک‌سو بود و هر اعتقاد دیگری علیه‌ش. از این‌رو، دشمنان به شیوه افسانه‌های جادو، در هر لحظه و مکان تکتیر می‌شدند. گرچه شمشیر بلوم به‌تناوب بر سر و کتفشان فرود می‌آمد، بدن مبارزان از ماده زمان ساخته‌شده بود، پس زخم شمشیر بر آن‌ها بی‌اثر بود.

هارولد بلوم از این‌که در عرصه عمومی، همراه پل دومان و جیمز هیلیس میلر، عضوی از «حلقه ییل» به‌شمار آید یا مفسران سهل‌انگار به استناد «نقشه بدخواندن» او را شعبه آمریکایی شالوده‌شکنی بدانند دل‌خوشی نداشت. پس کتاب «معیار غربی: کتاب‌ها و مکتب عصر» را نوشت که از دید بسیاری، شورشی تمام‌عیار، مبارزه طلبانه از عمق اردوی ارتجاع بود، مرافعه فرسایشی که از دهه هشتاد تا زمان مرگ کاروبار روزانه بلوم بود.